



## سرگذشت اسپانیای اسلامی

بحث آزادی ما به آزادی مذهبی در میان پیروان آئین مسیح منتهی شد ، اینک صحنه ننگین دیگری از اعمال شرم آور آنان ، در کشور اسلامی اسپانیا مورد بررسی قرار میگیرد .

در زمان خلافت د ولید بن عبدالملک ، ارتش اسلام ، بفرماندهی «طارق بن زیاد» از تنگه ای که آفریقا و اروپا را بهم نزدیک میکند و از آن روز بنام تنگه «جبل الطارق» موسوم شده وارد سرزمین اسپانیا گردید و کشور حاصلخیز و زیبای مزبور را که در اثر ظلم و ندانم کاری «رودریک» آخرین پادشاه سلسله «گوتها» به ویرانه های تبدیل شده بود ، از جنگال جنایتکارانه «گوتها» نجات بخشید (۱)

ارتش نجات بخش ۱۲ هزار نفری اسلام ، در ۱۵ رجب سال ۹۲ هجری توانست با ابتکار خاصی ، قوای دولتی اسپانیا را که بالغ بر صد هزار نفر بودند ، شکست دهند و با استقبال گرم و پر شور مردم آن سامان ، مواجه گردند (۲)

لشکر اسلام بهر نقطه ای که قدم میگذاردند ، مردم آنها را با آغوش باز می پذیرفتند و برای آنها آب و آذوقه فراهم میکردند و سنگرهای خود را یکی پس از دیگری خالی مینمودند .

(۱) لغت نامه دهخدا ذیل کلمه طارق و اسپانیا

(۲) دائرة المعارف قرن بیستم ج ۱ ص ۶۵۷

فلسفه این عمل نیز، برای کسانی که از جنایات و ستمگریهای سلاطین «ویزیگوت» اطلاع درستی دارند، بسی واضح و آشکاراست (۱)

«فیلیپ حتی، شرق شناس معروف در همین زمینه مینویسد: «... بطور کلی میتوان گفت اشغال اسپانیا از طرف مسلمانان، برای مردم، چندان مایهٔ زحمت نشد و بار تازهای بدوشان نگذاشت و بلکه بگفتهٔ «دوزی» فتح عربها برای مردم اسپانیا از بعضی جهات سودمند بود، زیرا نفوذ طبقه ممتاز را که اشراف و رجال دین، از آن جمله بودند، درهم شکست و وضع طبقات پائین را بهتر کرد و بمسیحیان زمین دار اجازه داد در املاک خویش، تصرف کنند و آنرا بدیگران واگذارند، و این کاری بود که «ویزیگوتها» روا نمیداشتند (۲)

رفتار مسلمانان با مردم اسپانیا؟  
دکتر «گوستا لوبون» مینویسد: «رفتار مسلمانها با مردم اندلس، همان رفتاری بوده که با اهالی مصر و شام، نموده بودند.

اختیار اموال و معابد و قوانین آنها را بخودشان واگذار کرده و نیز آنها را مختار نمودند که زیر نظر حکومت حکام و قضات هم کیش خود باقی مانده مطابق شروط چندی، سالیانه جزیه (مالیات سرانه) بدهند که مقدار آن در امر اشراف يك دینار (۱۵ فرانك) و در دیگران نصف دینار بوده است و آن شروط هم بقدری سبک و سهل و ساده بود که مردم همه آنها را بدون درنگ، قبول نموده و جز يك عده ارباب ثروت و مالکین گردنکش دیگر برای مسلمین ضرورتی باقی نماند که با آنها مقابله کنند» (۳)

اودر جای دیگر در کتابش اضافه میکند: «مسلمین در طول چند قرن، کشور اندلس را از نظر علمی و مالی بکلی منقلب نموده و آنرا تاج افتخاری بر سر اروپا قرار داده بودند، و این انقلاب، نه تنها در مسائل علمی و مالی بلکه در اخلاق نیز، بوده است. آنها یکی از خصائل ذیقیمت و عالی انسانی را به نصارا آموختند و یا کوشش داشتند که بیاموزند و آن همزستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان بیگانه بوده است سلوک آنان با اقوام مغلوب تا اینقدر ملایم بود که رؤسای اساقفه اجازه داشتند برای خود، مجالس مذهبی تشکیل دهند، چنانکه در اشیبلیه در سال (۷۸۲) میلادی در قرطبه سال (۸۵۲) میلادی مجالس تحقیق و بررسی مذهبی دائر کرده بودند.

از کلیساهای زیادی هم که در دوره حکومت اسلامی بنا شده، میتوان پی برد که آنها دیانت اقوام مغلوب را تا چه حد احترام مینمودند.

عده زیادی از نصاری داخل دین اسلام شدند در صورتی که برای اینکار ضرورتی در کار

(۱) تاریخ عرب ج ۲ ص ۶۳۸ (۲) تاریخ عرب ج ۲ ص ۶۵۴

(۳) تاریخ تمدن اسلام و عرب ص ۳۳۲

نبوده است. در حکومت مسلمین، نصاری و یهود، در حقوق با مسلمین شریک و برابر بوده و در دربار خلافت، میتوانستند هر شغل و مقامی را دارا باشند (۱).  
 «جواهر لعل نهرو» نخست وزیر سابق هندوستان، مینویسد: گناه بزرگ دیگری که برای عربها یا بعبارت اسپانیاییها «موریسکوسها» شمرده میشد این بود که آنها نسبت بمذهب، بامدارا و سازش، رفتار میکردند.

خواندن چنین چیزی خیلی عجیب بنظر میرسد معهذا در فرمانی که «آرشی بی شوپ» اسقف شهر «والانسیا» در سال (۱۶۰۲) صادر کرد و ضمن آن، دستور داد که «ساراسن»ها (عربها) را از اسپانیا بیرون برانند، همین موضوع، مهمترین گناه شمرده شده و بصورت «ارتداد و خیانت موریسکوسها» تلقی شده است.

با اشاره باین موضوع، میگوید که آنها (موریسکوسها) هیچ چیز را باندازه و آزادی عقیده و وجدان، در تمام موضوعهای مذهبی، مهم نمیشمردند، در صورتیکه ترکها و سایر مسلمانها نمیکذاشتند اتباعشان، باسانی از چنین آزادی بهره مند شوند.

به این ترتیب، اسقف «والانسیا» بدون آنکه خودش خواسته و دانسته باشد، از «ساراسن»های اسپانیا تعریف و ستایش فراوانی کرده، عظمت فکر و تمدن آنها را ستوده است، در واقع چقدر نظر مسیحیان اسپانیا، در این مورد از مدارا و سازش دور بود. (۲)

#### تمدنی بی نظیر

مسلمانها که در حدود هشت قرن، یعنی از سال (۹۲) هجری تا (۸۹۸) در کشور زیبای اسپانیا حکومت میکردند در این دوران آنچنان تمدنی بوجود آوردند که باقرار دوست و دشمن در دنیا بی نظیر و نقطه تحول در تاریخ اروپا بشمار میرود.

«جان برنر» در کتاب «اسناد زبان اسپانیایی در دانشگاه کامبریج» مینویسد: «هنگامیکه قسمت اعظم اروپا از لحاظ مادی و معنوی گرفتار بدبختی و اضمحلال بود، مسلمین اسپانیا، تمدن باشکوهی ایجاد و وضع اقتصادی منظم و مرتبی بوجود آوردند. اسپانیای مسلمان رل قطعی و مهمی را در ترقی و نشوونمای صنایع، علوم، فلسفه و شعر، بازی کرده و در قرن سیزدهم کار بجائی رسید که نفوذ آن، بزرگترین دانشمندان و متفکرین اروپا را همچون «تماس اکیناس» و «دانته» تحت تأثیر قرارداد، پس باید اسپانیا را مشعلدار تمدن اروپا خواند» (۳)

«جواهر لعل نهرو» نخست وزیر فقید هندوستان از یکی از مورخان که تحت تأثیر این تمدن قرار گرفته است نقل میکند: «مورها» (عربها) آن حکومت حیرت انگیز «کوردووا»

(۱) تاریخ تمدن اسلام و عرب ص ۳۴۵

(۲) نگاهی بتاریخ جهان ج ۱ ص ۴۱۷ (۳) میراث اسلام ص ۱۵۲

را با وجود آوردند که از شکفتنهای قرون وسطی بود و در موقعی که سراسر اروپا در جهل و بربریت و جدال و زد و خورد، غوطه میخورد بتنهائی مشعل دانش و تمدن را روشن نگاهداشت که بر توآن بردنای غرب می‌تابید، آنگاه خودش می‌افزاید: شهر «قرطبه» مدت (۵۰۰) سال پایتخت و مرکز این حکومت بود... قرطبه شهری بسیار بزرگ بود که یک میلیون نفر جمعیت داشت. این شهر به یک باغ بزرگ شباهت داشت که طول آن در حدود ۲۰ کیلومتر بود و حومه آن، در حدود ۴۵ کیلومتر میشد، گفته میشود که ۶۰۰۰۰ کاخ و قصر و منزل پرشکوه و ۲۰۰۰۰۰ خانه کوچکتر در این شهر بود و ۸۰۰۰۰ مغازه و دکان و ۳۸۰۰۰ مسجد و ۷۰۰ گرمابه عمومی داشت. ممکن است که این ارقام اغراق آمیز باشد اما لااقل تصویری از این شهر، برای ما بوجود می‌آورد.

در این شهر کتابخانه‌های فراوان وجود داشت که معتبرترین و مهمترین آنها کتابخانه سلطنتی امیر بود که ۴۰۰۰۰ نسخه کتاب داشت. دانشگاه قرطبه در سراسر اروپا و حتی در آسیای غربی مشهور بود و مدارس مجان و رایگان برای فقیران نیز بسیار زیاد بود. یکی از مورخان میگوید که: «در اسپانیا تقریباً همه کس خواندن و نوشتن را میدانست در حالیکه در اروپای مسیحی صرف نظر از طبقه روحانیان مذهبی حتی اشخاصی که از عالی‌ترین طبقات هم بودند در جهل کامل بسر میبردند» (۱)

فیلیپ حتی، در همین زمینه ادامه میدهد: «در قرطبه میله‌ها راه، سنگ فرش بود که از خانه‌های دوطرف روشنی میگرفت، در صورتیکه لندن و پاریس حتی هفت قرن پس از آن تاریخ، چنین وضعی نداشت. قرن‌ها بعداگر کسی جرئت میکرد و در یک روز بارانی پاریس از آستانه خانه بیرون میشد تا قوزک بگل میرفت، موقعی که دانشگاه آکسفورد نظر میداد که استحمام، یک رسم بت پرستی است، نسلهای متوالی از دانشوران قرطبه از استحمام در حمامهای مجلل بهره‌ور شده بودند...» (۲)

«دوروتی لودر» درباره تمدن و مردم اسپانیای آنروز، مینویسد: «... علاقه جدید «ساراسن‌ها» (عربها) به هنر، احترامشان بعلم و ملامت و اغماضشان درباره مذهب دیگران اسپانیا را بصورت یک کشور متمدن و خوش ذوق درآورد...» (۳) (۴)

حال باید دید که بعد از پیروزی مسیحیان بشر دوست! برای این کشور متمدن چه بلائی بر سر این کشور آمد؟ و چگونه ملت صلحدوست! با مردم آن سامان که حق حیات بگردن آنها و مردم اروپا داشتند رفتار نمودند؟ و ما این بحث خواندنی را که نشان دهنده میزان آزادی مذهبی در پیروان مسیح است در شماره آینده مورد بررسی قرار میدهیم.

(۱) نگاهی بتاریخ جهان ۴۱۳ (۲) تاریخ عرب ج ۲ ص ۶۷۳

(۳) سرزمین و مردم اسپانیا ص ۳۹

(۴) برای اطلاع بیشتر از عظمت مسلمین در اسپانیا مراجعه شود به همین نام که وسیله

ژوزف ماک کاپ نوشته شده است.